

Research Article

**Upbringing of the Congregation of the Righteous
in the Political Behavior of the Infallible Imams (PBUH)
from the Perspective of Ayatollah Asefi¹**

Mokhtar sheikhhosseini¹

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to shed light on the theory of the congregation of the righteous that is the result of the effort of some contemporary thinkers in the exegesis of the political behavior of the infallible Imams, despite minor differences, as the representative of the strategy of Ahl-e Bayt in the upbringing of the righteous congregation as an ideal core for the political-social guidance of the Islamic community against deviations. In this regard, the main question of the study is that with respect to the fact that after the demise of the Prophet (PBUH), the Islamic community got into deviation in terms of leadership and fulfillment of religion, how we can reform this deviated path according to the behavior of Ahl-e Bayt from the perspective of Ayatollah Asefi. The method of study is descriptive analysis and the results showed that based on the ideas of Ayatollah Asefi, the Prophet (PBUH) left the legacy of leadership, (*Ummah*) community, and values for the Islamic society. However, there have been some deviations in the legacy of leadership and then values after he passed away and finally it led to the downfall of the Islamic community. Therefore, the peaceful return of Imam Ali (PBUH) to power, the strategy of fighting in the period of Imam Hasan and Imam Hussein (PBUH), and guidance after the event of Ashura up until the Minor Occultation have been among the points for the upbringing of the righteous congregation in order to reform the path of community against deviations.

Keywords: Political Behavior, Ayatollah Asefi, Congregation of the Righteous, *Ahl-e Bayt* (PBUH).

1. **Received:** 2020/05/04; **Accepted:** 2020/11/25

Copyright © the authors

تربیت جماعت صالحان در سیره سیاسی معصومین(ع) از منظر آیت الله آصفی^۱

مختار شیخ حسینی^۱

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که نظریه جماعت صالحان را که حاصل تلاش برخی از اندیشمندان معاصر در تفسیر سیره سیاسی معصومین است، علی‌رغم برخی اختلافات جزئی، به عنوان معرف استراتژی اهل بیت(ع) در تربیت یک جماعت صالح به عنوان هسته آرمانی برای هدایت سیاسی- اجتماعی امت اسلامی از انحرافات، تبیین نماید. در این راستا، سوال اصلی تحقیق این است که با توجه به اینکه پس از رحلت پیامبر(ص)، امت اسلامی در ابعاد رهبری و عمل به شریعت، دچار برخی انحرافات شد، از منظر آیت‌الله آصفی، چگونه می‌توان اصلاح این مسیر انحرافی را براساس سیره اهل بیت(ع) اصلاح نمود؟ روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که براساس اندیشه آیت‌الله آصفی، پیامبر(ص) سه میراث رهبری، امت و ارزش‌ها را برای جامعه اسلامی به جای گذاشت که پس از او ابتدا در میراث رهبری و سپس در ارزش‌ها انحرافات رخ داد، نتیجه آن از بین رفتن امت اسلامی بود. از این‌رو در دوره حضرت علی(ع) بازگشت مسالمت‌آمیز به قدرت، در دوره امام حسن(ع) و امام حسین(ع) استراتژی مبارزه و بعد از حادثه عاشورا تا غیبت صغری، راهبرد، تربیت جماعت صالحان برای اصلاح مسیر امت از انحرافات بوده است.

واژه‌های کلیدی: سیره سیاسی، آیت‌الله آصفی، جماعت صالحان، اهل بیت(ع).

۱. مقدمه

اندیشه‌ورزی سیاسی در اسلام گرایش‌های مختلف فلسفی، فقهی، کلامی، تفسیری و عرفانی را شامل می‌شود که برخی حوزه‌ها مانند فلسفه و فقه سیاسی مورد توجه بیشتر و بخش‌هایی مانند عرفان، سیره و تفسیر سیاسی مورد اهتمام کمتر پژوهش‌گران بوده است. توصیه عام پیامبر اکرم(ص) به پیروی از قرآن و عترت در حدیث ثقلین، میراثی گران‌بهاء برای امت اسلامی فراهم کرد که همه حوزه‌های فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و بر این اساس در حوزه سیاسی نیز تنها راه مصون ماندن از گمراهی، پیوند با قرآن و اهل‌بیت(ع) است. از این‌رو بررسی سیره سیاسی-اجتماعی ائمه(ع) یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اندیشه‌ورزی سیاسی قلمداد می‌شود که توجه کمتری به آن شده است.

آیت‌الله محمد مهدی اصفی در سال ۱۳۱۶ در شهر نجف متولد و پدرش آیت‌الله علی محمد اصفی بروجردی از مجتهدان به‌نام نجف بود. در حوزه علمیه نجف تحصیل علوم دینی را آغاز و تا مرحله کارشناسی ارشد در کلیه الفقه تحت نظر آیت‌الله مظفر نیز ادامه تحصیل داد. از مهم‌ترین اساتید ایشان می‌توان به آیات عظام سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، سید محمد روحانی، میرزا هاشم آملی، سید محمدرضا گلپایگانی و امام خمینی اشاره کرد. از جمله مسئولیت‌های ایشان دبیرکلی مجمع جهانی اهل‌بیت(ع)، نماینده مقام معظم رهبری در نجف، مدیریت موسسات خیریه مختلف، موسس چندین مدرسه علمیه در عراق و نجف و... است (بابایی، ۱۳۹۳: ص ۱۷-۲۳). آثار سیاسی ایشان تنوعی از گرایش‌های اندیشه سیاسی مانند تفسیر سیاسی (فی رحاب القرآن الکریم)، سیره سیاسی (فی رحاب عاشوراء، المشروع السياسي لأهل البيت(ع) بعد واقعة الطف، الإمام زین‌العابدین علی بن الحسین دوره الثقافي والسياسي، الفتنة الكبرى بعد وفاه الرسول، الانتظار و الانقلاب الكوني للإمام مهدی(عج) الاهداف السياسية والحركة لثورة الحسين(ع))، کلام سیاسی (الفصل بين الدين و الدولة، المدخل الى الامامة، المدخل الى الاسلام، ولايه الامر، السلام في الاسلام، ولايه المرآه، فقه الاعتراض) و مسائل جهان اسلام (الامه واحده والموقف من الفتنة الطائفية، التحديات المعاصره و مشروع المواجهه الاسلاميه، الجسور الثلاثه قصه الغاره الحضاريه على العالم الاسلامي) را در برمی‌گیرد. رویکرد اصلی اندیشه‌ورزی ایشان مبتنی بر برداشت‌های قرآنی و رویکرد ایشان به سیره معصومین، از زمان پیامبر(ص) تا ظهور یک راهبر

کلان سیاسی را ارئه می‌کند که نوآوری‌های فراوانی دارد. در یک نگاه کلان‌تر، سیره سیاسی ارائه شده از سوی ایشان نشأت گرفته از نوع تلقی ایشان از تاریخ انسان در قرآن است.^۱ در پژوهش حاضر ابتدا به تحلیل ایشان از میراث نبوی و سپس راهبرد سه‌گانه اهل بیت (ع) با تأکید بر تربیت جماعت صالحان برای حفظ امت از انحرافات پرداخته خواهد شد.

۲. میراث سه‌گانه در سیره سیاسی نبوی

از نظر مرحوم آصفی، رسالت توحیدی پیامبر (ص) در مکه حاوی اندیشه و نظام سیاسی - اجتماعی خاصی بود که نظام جاهلیت را با چالش مواجه کرده و فرهنگ توحیدی را در تمام ابعاد فردی و اجتماعی به عنوان بدیل ارائه کرد و به احیاء سنت‌های الهی و میراث انبیاء گذشته پرداخت. این انقلاب در حوزه سیاسی، مستکبران را از قدرت برکنار و جبهه مستضعفین را به قدرت رساند (آصفی، ۱۴۳۲ق: ص ۱۲) که نتیجه برنامه‌ریزی سیاسی پیامبر (ص) مبتنی بر دو مرحله دعوت و ایجاد دولت بود. مرحله اول در مکه به صورت پنهانی با تعدادی اندک و با استراتژی دعوت و مرحله دوم در مدینه با استراتژی ایجاد دولت اسلامی، ساماندهی جامعه براساس ارزش‌های اسلامی و تشکیل امت دنبال شد که هجرت به عنوان یک تاکتیک بین این دو مرحله محسوب می‌شود و نتیجه برنامه‌ریزی پیامبر اکرم (ص) سه میراث رهبری، احکام الهی و امت برای جامعه بشری بود.

یکی از نتایج انقلاب پیامبر (ص)، تغییر در دستگاه رهبری جامعه جاهلی بود که به دنبال آن رأس هرم اجتماعی دوران جاهلیت سرنگون و رهبری جدیدی (مستضعفین) جایگزین آن شد. سران جامعه جاهلی مسئولیت این پیامد را متوجه پیامبر (ص) دانسته و ایشان را عامل اصلی این دگرگونی می‌دانستند. آزارها و فشارهای اولیه سران قریش علیه پیامبر (ص) در همین راستا بود. در این سیستم طراحی شده پیامبر (ص) ارتباط وثیقی بین رهبر و نوع حکمرانی وجود دارد. در این سیستم اگر رهبری صلاحیت و کفایت لازم را داشته باشد، لاجرم ارزش‌ها و احکام الهی در جامعه جریان

۱. بخشی از تفسیر سیاسی ایشان در مقاله‌ای با عنوان «قدرت در قرآن از منظر تفسیر فی رحاب القرآن آیت‌الله آصفی» توسط نگارنده در شماره ۶۷ فصلنامه علوم سیاسی به چاپ رسیده است.

می‌یابد و از سوی دیگر، هرگونه فساد و انحراف در دستگاه رهبری، به‌طور مستقیم بر فرهنگ و پایداری امت تأثیر می‌گذارد. اساساً رهبری توحیدی باعث می‌شود تا ملت در برابر هرگونه ظلم و رفتار مغایر با شرع واکنش نشان دهند. بنابراین، پیروی از رهبری صالح، از میراث پیامبر(ص) برای امت بود که در صورت کاربست آن، از بسیاری از انحرافات مصون می‌ماند (آصفی، ۱۴۳۳ق: ج ۱، ص ۲۰). از این منظر عدم توجه امت به این میراث (رهبری)، زمینه به قدرت رسیدن افراد ناصالح در منصب رهبری امت اسلامی را به دنبال خواهد داشت و نتیجه انحراف در رهبری، انحراف از مسیر توحید امت خواهد بود.

دومین میراث پیامبر(ص)، ارزش‌ها و احکام اسلامی است که از جانب خداوند برای جامعه توحیدی نازل شده تا جایگزین ارزش‌ها و سنت‌های جاهلی گردد. براساس مکتب جدید، یک نظام الهی برای انسان ارائه شده که براساس آن، نظام حکومت و آیین زندگی به شیوه جدیدی سامان می‌یابد. این مکتب از منشاء وحی الهی صادر شده و با فطرت انسان سازگار و در امتداد رسالت آسمانی گذشته تکامل یافته بود (آصفی، ۱۴۳۲ق: ص ۵). ارزش‌های جدید تمامی ارزش و سنت‌های دوران جاهلیت را نفی و به دنبال پایه‌گذاری یک جامعه جدید براساس ارزش‌های نو و تعریف مناسبات براساس معیارهای جدید بود. این میراث بزرگ قانون‌گذاری، ارزشی و اعتقادی توسط پیامبر(ص) برای امت اسلامی پایه‌ریزی گردید.

سومین نتیجه رسالت نبوی، شکل‌گیری امت بوده که حامل کلمه توحید و ارزش‌های انسانی است. بنابراین، امت، نتیجه تلاش همه پیامبران الهی در طول تاریخ و مأمور تبلیغ رسالت الهی را از پیامبر(ص) بر عهده می‌گیرد و مسئولیت مبارزه با استکبار و زدودن آثار شرک و کفر از جهان برعهده آن است. ادامه صحیح خط توحیدی در تاریخ، در شرایطی رخ خواهد داد که رهبری امت در دست شایستگان و ارزش‌های الهی در جامعه حکفرما و امت به دنبال نقش‌آفرینی برای اعتلای کلمه توحید باشد (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۳۴). بنابراین، در تفسیر سیره سیاسی پیامبر(ص) شکل‌گیری این مثلث برای تحقق اهداف و مقاصد شریعت ضروری است و تحقق هم‌زمان هر سه ضلع به معنای تفوق جبهه توحید خواهد بود.

از نظر آیت‌الله آصفی میراث سه گانه پیامبر(ص) در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس، دچار انحرافات زیادی شد. براساس انحراف در محور رهبری، رهبری اسلامی به پادشاهی ستمگر و ظالم تبدیل

گردید که انگیزه‌اش صرفاً تحقق اهداف سیاسی و گسترش سلطه و نفوذ در میان جوامع اسلامی با توسل به هر شیوه‌ای بود. بر این اساس خاندان بنی‌امیه سلطه و نفوذ خود را بر سرتاسر بلاد اسلامی گسترش دادند و توانستند اغلب مخالفان سیاسی و اعتقادی خود را از میان بردارند. سیاست اموی و چیرگی خاندان بنی‌امیه بر دنیای اسلام از راه سرکوب هرگونه اعتراض سیاسی و مبارزه مسلحانه در دو راهبرد ترور مخالفان و افساد جامعه اسلامی خلاصه می‌شد. این سیاست به دست معاویه پایه‌ریزی و یزید نیز این سیاست دوگانه را برای استحکام قدرت بنی‌امیه به صورتی افراطی تداوم بخشید.

سیاست بنی‌امیه در برقراری حکومت مبتنی بر ترور و فساد با موفقیت ظاهری همراه بود، زیرا معاویه توانست جهان اسلام را در سایه منطق سکوت و عدم اعتراض پرورش دهد. پیامد این سیاست و خمودگی امت، گسترش انحراف به بدنه امت و فراموشی ارزش‌های الهی بود. انحرافی که در دستگاه رهبری امت اسلامی پدیدار گشته بود، تأثیر فراوانی در سکوت و بی‌تفاوتی امت اسلامی ایجاد کرد، به طوری که هیچ اعتراض و مقاومتی علیه دستگاه جبار اموی شنیده نمی‌شد (آصفی، ۱۴۳۳ق: ج ۱، ص ۲۰). در این دوره حتی مسئولیت‌های امتی، مانند امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده بود.

۳. استراتژی اهل‌بیت (ع) قبل از عاشورا

انحراف در میراث سه گانه نبوی مسئولیت سنگینی در برابر ائمه (ع) قرار داد و ائمه معصومین (ع) در مقابل انحراف ایجاد شده در سطح رهبری، ارزش‌ها و امت، سکوت اختیار نکردند^۱ و برای جلوگیری از انحرافات، راهبرد کلان اهل‌بیت (ع) در سه مقطع زمانی با تاکتیک‌های متفاوت، برای جلوگیری از این انحرافات ترسیم شد. از نظر آیت‌الله آصفی در دوران امیرالمومنین (ع) استراتژی، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بود و با همین شیوه هم حکومت منتقل شد، اما با شهادت حضرت علی (ع) دوره دوم با شیوه مبارزه آغاز شد و با فاجعه عاشورا، مرحله دوم نیز پایان یافت و در دوره سوم برنامه ائمه (ع)، تربیت یک جماعت صالحه در درون این جامعه با

۱. تفصیل این پروژه را می‌توان در کتاب المشروع السياسي لأهل البيت (ع) بعد واقعة الطف مشاهده کرد.

ابزارهای خاصی برای جلوگیری از انحرافات بود (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۳۶۵) که در قالب استراتژی تربیت جماعت صالحان مطرح می‌شود.

مناسبات نهادینه شده دوره جاهلیت و حضور منافقان در درون امت، زمینه بازگشت فرهنگ جاهلی به جامعه اسلامی را امکان‌پذیر می‌کرد. لذا، پیامبر اکرم(ص) بارها به صورت علنی در جمع اصحاب، آنها را از افتادن در فتنه‌های امت اسلامی بعد از خود برحذر می‌داشت و مردم را نسبت به این فتنه‌ها و انگیزه‌های رهبران جاهلی آگاه می‌فرمود و در امان ماندن از فتنه‌ها را نیز در حدیث ثقلین بیان فرمود که براساس آن، قرآن معلم اول و اهل‌بیت(ع) معلم ثانی امت برای عبور از فتنه‌ها و انحراف‌ها به‌شمار می‌روند (آصفی، ۱۴۲۴ق: ص ۵۵). اما بعد از رحلت پیامبر(ص) اولین انحراف در میراث رهبری، جلوه کرد و رهبری امت اسلامی براساس سفارش پیامبر(ص) و خداوند به اهل آن سپرده نشد. بازگشت از این انحراف و سپردن رهبری به اهل‌بیت(ع) در دوره حضرت علی(ع) به دلیل برخی مصالح به صورت مسالمت‌آمیز دنبال می‌شد و سیره سیاسی اهل‌بیت(ع) در این دوره بازگرداندن حکومت به مسیر اصلی آن بود و تا قبل از عاشورا بیشترین انحراف در رأس هرم قدرت در جامعه اسلامی مشاهده می‌شد. به طوری که حاکمانی نالایق بر جایگاه رهبری جامعه اسلامی تکیه زده و متظاهر به فسق بودند و عدم شایستگی آنها بر کسی پوشیده نبود.

براساس نظریه آیت‌الله آصفی، در این دوره سیاست اهل‌بیت(ع) مبارزه علنی با قدرت امویان است. این سیاست در دوره امام حسن(ع) با خیانت برخی عناصر ارتش امام، به نتیجه نرسید (آصفی، ۱۴۳۳ق: ج ۱، ص ۳) و طرفداران رویکرد جاهلی در امت اسلامی به رهبری خاندان ابوسفیان، در پی بازگرداندن امت به سنت‌های جاهلی هستند و علاوه بر انحراف در میراث رهبری، به دنبال ایجاد انحراف در ارزش‌ها و شریعت اسلامی به‌مثابه دومین میراث نبوی بودند. به دلیل ترویج و نهادینه‌سازی توطئه بنی‌امیه، امت اسلامی با همه گستردگی آن، مقاومت در برابر چنین توطئه‌ای را از دست داده و بسیاری از منکرات جایگزین ارزش‌ها در جامعه اسلامی شده بود. از این‌رو امام حسین(ع) با شهادت خود، یاران و خاندانش، وجدان امت اسلامی را بیدار کرده و اراده و رشد فکری‌شان را به آنان بازگرداند. نتیجه این بیداری، پایه بسیاری از انقلاب‌ها و آگاهی و بیداری سیاسی در تاریخ اسلام بود (آصفی، ۱۴۳۳ق: ج ۱، ص ۵-۱۰). انتخاب این استراتژی از سوی امام حسین(ع) یکی از ضرورت‌های قرآنی مبارزه بین شرک و طاغوت است و امام

حسین(ع)، فرهنگی را نهادینه کرد که از انبیای الهی به ارث برده بود و آن را برای آینده امت نیز به ارث گذاشت. این پروژه سیاسی بعد از شهادت امام حسن(ع) با رهبری امام حسین(ع) دنبال شد و دو هدف اصلی سیاسی و جنبشی را دنبال می‌کرد: (آصفی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ص ۴۷۳-۴۷۴). هدف سیاسی قیام آن حضرت، اعلان عدم مشروعیت خلافت اموی، رسوا کردن یزید و عزل سیاسی - اجتماعی او بود. این هدف سیاسی عاشورا(اعلام نامشروع بودن حکومت بنی‌امیه) از سوی امام به صورت علنی بیان می‌شد. بنابراین، هدف نخست آن حضرت، قطعاً سیاسی بود. در این دوره بنی‌امیه چنان برنامه‌ریزی کرده بودند که امت، خروج بر حاکم ظالم و فاسق را حرام می‌دانست. در این شرایط، میراث اول پیامبر(رهبری توحیدی) به انحراف کشیده شده و امت اسلامی به تدریج به این حکومت غیرمشروع عادت کرده بود. قیام امام حسین(ع)، اعلام علنی و رسمی مبنی بر عدم مشروعیت نظام حاکم بود و مردم را به سمت مؤلفه‌های رهبری صالح در میراث پیامبر(ص) سوق می‌داد (آصفی، ۱۴۱۹ق: ص ۱۷۴). هدف جنبشی عاشورا نیز آگاهی بخشیدن به مردم، شکستن دیوار ترس، تحریک و برانگیختن مردم برای سرنگون کردن طاغوت، بیدار کردن امت و بازگرداندن اراده و آگاهی به غارت رفته‌ی امت به آن بود. در شرایطی که امویان با تبلیغات گسترده، خروج بر حاکم را حرام معرفی کرده بودند و امت اسلامی با این فرهنگ خو گرفته بود، دعوت و برانگیختن مردم برای خروج بر بنی‌امیه و به چالش کشیدن تبلیغات امویان، یکی از اهداف مهم این حرکت بود (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۴۰). بنابراین، عدم بیعت با یزید، زمینه تحریک امت اسلامی را برانگیخت و مردم را به فکر فرومی‌برد که چرا امام حسین(ع) با یزید بیعت نکرد.

هدف بیدار کردن امت، علاوه بر عدم بیعت با یزید و اعلان عمومی آن، نیاز به قیام و انقلابی داشت که پروژه امام را تکمیل کند. از این رو امام حسین(ع) بر حرکت از حجاز به عراق اصرار داشتند تا در آنجا با بنی‌امیه رو در رو شوند. بنابراین، امام می‌دانستند که رفتن ایشان به عراق، قیام آشکار بر ضد سلطه بنی‌امیه است و فرجام چنین قیامی نیز شهادت خواهد بود. امام با انتخاب این مسیر درصدد شکست نظامی یزید نبود، بلکه می‌خواست مسلمانان را به قیام و خیزش برای ایستادگی در برابر ستمکار وادارند و آگاهی و وجدان از دست رفته‌شان را به آنها بازگرداند (آصفی، ۲۰۱۰م: ج ۱، ص ۴۸۰-۴۸۵) تا امت اسلامی بر مسیر اصلی و مستقیم خود گام بردارد. در

آن زمانه که جامعه اسلامی به انحطاط گراییده بود و امویان بر پایه سنت‌های جاهلی و با ابزار ترور مخالفان و ترویج فساد بر امت اسلامی حکومت می‌کردند (همان: ص ۵۲۷)، بهترین راهبرد برای اعلان انحراف در میراث رهبری و بیدار کردن مردم نسبت به ارزش‌های از دست رفته، مبارزه مسلحانه در راستای اصلاح انحرافات ایجاد شده در میراث نبوی بود.

۴. استراتژی اهل‌بیت(ع) بعد از عاشورا؛ تربیت جماعت صالحان

نگرانی اصلی ائمه اطهار(ع) همواره خطر سرایت انحراف از رأس هرم حاکمان بنی‌امیه به بدنه جامعه اسلامی بود و این اتفاق در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس رخ داد و به تدریج بدنه امت اسلامی دچار منکراتی شد که تمدن اسلامی را با چالش اساسی مواجه کرد و با جامعه مدینه النبی فاصله زیادی پیدا نمود. منکراتی در دربار بنی‌امیه رخ می‌داد و مردم در برابر آنها ساکت و بی‌تفاوت بودند. بنی‌امیه با ترویج مرجئی‌گری به مردم القاء کرده بودند که وضعیت فعلی براساس قضا و قدر الهی است و کسی با این قضا و قدر نمی‌تواند مقابله کند. در واقع با این فرهنگ‌سازی، روح انقلابی و اعتراض را از امت سلب کرده بودند.

در دوره بنی‌امیه یک بازگشت فرهنگی به جاهلیت قبل از اسلام رخ داده و این افول تمدن اسلامی بعد از یزید نیز در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز دنبال شد، به طوری که انحراف از رأس هرم به تدریج همه جامعه اسلامی را دربرگرفت. در این شرایط ائمه(ع)، بازسازی امت اسلامی براساس اسلام ناب و توحیدی را در دستور کار قرار دادند. این بازسازی امت نیاز به یک پروژه سیاسی - فرهنگی سخت و طولانی داشت. ائمه(ع) برای بازسازی امت اسلامی، ابتدا سیاست تربیت و سازماندهی یک نمونه آرمانی(جماعت صالحان) را در پیش گرفتند. این الگو همان شیعیان بودند که در دل امت یک اقلیت محسوب می‌شدند، اما به ولایت ائمه و میراث‌های پیامبر(ص) اعتقاد داشتند. اهل‌بیت(ع) درصدد بودند که به تدریج این نمونه را در بدنه امت بسط دهند. به تعبیری، بازسازی امت اسلامی با کمک این جماعت صالح در پرتو راهنمایی اهل‌بیت(ع) انجام گیرد. بعد از عاشورا تمام هدف سیاسی، اجتماعی و تمدنی اهل‌بیت(ع) تا غیبت صغری بر پروژه جماعت صالحان استوار بود (آصفی، ۱۴۳۶ق: ص ۵۸). تئوری جماعت صالحان از سوی آیت‌الله شهید محمدباقر صدر در کتاب «اهل‌البیت تطور ادوار و وحده هدف» و شهید محمدباقر

حکیم در کتاب «دور اهل‌البیت فی بناء الجماعه الصالحه» نیز بیان شده است. اما اینکه این دیدگاه برای اولین بار توسط کدام‌یک از این بزرگواران و یا توسط شخصیت دیگری مطرح شده، نیاز به پژوهش مستقلی دارد (جوادی، ۱۳۹۳: ص ۶۰۰). وقتی همین سوال از آیت‌الله آصفی پرسیده شد که آیا دیدگاه شما با آیت‌الله حکیم در این زمینه متفاوت است یا خیر؟ ایشان پاسخ داد: «دیدگاه ما به هم نزدیک است و بحث ایشان بر من سبقت دارد، اما طرحی که من در المشروع السیاسی لاهل‌البیت بعد وقوعه الطف ارائه کرده‌ام، جماعت صالحان، یکی از ارکان آن است» (لک‌زایی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۳۶۵). از منظر آیت‌الله آصفی، از زمان امام سجاد(ع) به بعد راهبرد اهل‌بیت(ع) با توجه به انحراف در میراث‌های سه گانه نبوی، تربیت جماعتی صالح در درون امت بود تا بقیه امت خود را در مقایسه با این الگو به اسلام نزدیک کنند و از مسیر انحرافی به مسیر اصلی اسلام بازگردند. به این جماعت، «مومنین» در مقابل مسلمین اطلاق می‌شد، چون التزام به ولایت اهل‌بیت(ع) داشتند و شکل‌گیری این استراتژی در سیره سیاسی ائمه(ع)، مولفه‌هایی را دربر داشت که با پیوستن و حرکت تکاملی آنها، استراتژی ائمه(ع) محقق می‌شد. لذا، از نظر ایشان نمی‌توان نقش و راهبرد اهل‌بیت(ع) بعد از عاشورا تا غیبت صغری را بدون فهم جایگاه جماعت صالحان به دقت فهمید (آصفی، ۱۴۳۶ق: ص ۵۷) که به مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌دهی این جمعیت اشاره می‌شود.

۵. مفهوم‌شناسی جماعت صالحان

از نظر مرحوم آصفی وقتی امام سجاد(ع) از شام به حجاز بازگشت، شاهد ظلم‌های بنی‌امیه و رواج فساد و لهو جامعه و دور شدن تدریجی از اسلام اصیل بود. در فضایی که سیاست زور و ترور، استراتژی بنی‌امیه را تشکیل می‌داد، امام سجاد(ع) برای جلوگیری امت از انحراف، گزینه‌های زیادی در اختیار نداشت. لذا، امام در آن روز به تربیت و ساخت جماعت صالحی توجه کرد که حامل ارزش‌ها و فرهنگ اسلام اصیل بوده و الگوی واقعی از مسلمانی روی زمین باشد تا به تدریج، این جماعت کوچک نقطه شروع اصلاح امت از انحرافات قرار گیرد. این پروژه‌ای بود که با امام سجاد(ع) شروع شد و تا غیبت صغری توسط بقیه ائمه(ع) تداوم یافت (آصفی، ۱۴۳۶ق: ص ۵۵-۵۶). از نظر آصفی، این جماعت (شیعیان) بدیلی برای امت نیست، بلکه غایت آن تغییر

سیاسی - فرهنگی امت اسلامی است (آصفی، ۱۴۳۶ق: ص ۵۸). در تفسیری دیگر از جماعت صالحان، محمدباقر حکیم با برشمردن اهداف ائمه(ع)، هدف ششم را چنین بیان می‌کند که «هدف تشکیل جماعت صالحان برای این است که در دوره غیبت، بدیل اهل بیت(ع) باشند. بنابراین، ساخت این جماعت صالحه یکی از اهداف اهل بیت(ع) در جامعه اسلامی بوده است» (حکیم، ۲۰۰۳م: ص ۱۶). لذا، این استراتژی از ابتدا مدنظر ائمه بوده است. از نظر آیت الله یعقوبی نیز یکی از دلایل عدم حمایت مستقیم امام صادق(ع) از قیام‌های مسلحانه، اولویت تربیت جماعت صالحان در آن مرحله بود (یعقوبی، ۱۴۳۶ق: ص ۳۷۲). بنابراین، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های اهل بیت(ع)، تربیت جماعت صالحان بود که نماد آن، شیعیان و معتقدان به ولایت و امامت آنها بودند و برای این جماعت، در طول تاریخ اهدافی در نظر گرفتند که حفظ امت اسلامی و محافظت بر اسلام اصیل یکی از آنها بود (حکیم، ۱۴۲۵ق: ص ۱۴۳). با توجه به اینکه ساخت یک هسته آرمانی براساس اسلام مد نظر اهل بیت(ع)، هدف پروژه تربیت جماعت صالحان بود. لذا، الگوی جماعت صالحان می‌تواند نظریه‌ای اسلامی برای ساماندهی امور سیاسی، اقتصادی و مقابله با تهدیدات در جهان کنونی باشد (حکیم، ۱۴۲۵ق: ص ۳۷۷) که ملزومات سیاسی زیادی خواهد داشت و می‌تواند در پرتو این نظریه، امروز به ساخت یک دولت مطلوب براساس الگوی جماعت صالحان پرداخت تا با تکیه بر آن در آینده، مسیر امت اسلامی را اصلاح کرد.

۶. مولفه‌ها و نتایج تربیت جماعت صالحان

از نظر آصفی تربیت و شکل‌گیری جماعت صالحان از تکامل مولفه‌های مختلفی شکل می‌گیرد که در نهایت به صورت شبکه‌ای به هویت‌یابی و شکل‌گیری جماعت صالحان به مثابه الگوی آرمانی برای اصلاح مسیر امت می‌انجامد. این پروژه کلان از امام سجاد(ع) تا دوره غیبت صغری مسیری است که اهل بیت(ع) براساس آن به تربیت حلقه‌های آرمانی برای اصلاح امت اهتمام داشته‌اند. مولفه اول این گروه، همواره یادآوری میراث رهبری است. با توجه به انحراف در میراث رهبری، اهل بیت(ع) همواره بر مرجعیت سیاسی خود در جامعه اسلامی تأکید داشته و در استراتژی سیاسی خود بر این نکته تأکید داشتند تا در مسیر انحرافی امت، اصل ولایت فراموش نشود و مردم با میراث اول پیامبر (رهبری) آشنا شوند. احادیث زیادی در کتب روایی بسیار نقل

شده که مضمون همه آنها که به صورت علنی توسط ائمه(ع) در جمع‌های عمومی مسلمین ابراز می‌شد، یادآوری میراث رهبری بود. مولفه‌های دوم در این استراتژی «مشروعیت‌زدایی از خلافت اموی و عباسی» بود که اصل رهبری را به انحراف سوق داد. تبیین رهبری شایسته هم‌زمان با تأکید بر عدم مشروعیت حاکمان، بخشی از پروژه اهل‌بیت(ع) محسوب می‌شد و در این راستا، اهل‌بیت(ع) بر این راهبرد تأکید زیادی داشتند.

هم‌گرایی درونی جماعت صالحان، یکی دیگر از مولفه‌ها بود، چون این جماعت صالحه بدون هم‌گرایی درونی خود نمی‌توانست در آینده نقش اصلاح همه امت را ایفا کند. از این رو با احادیث زیادی در زمینه حق مؤمن بر مؤمن مواجه‌ایم که هدف آنها تقویت درونی این جماعت است تا بتواند خود را از موضع ضعف به موضع قدرت برساند و برای رسیدن به جایگاه تأثیرگذار در آینده امت، باید به لحاظ درونی انسجام و هم‌گرایی کاملی داشته باشد. احادیثی که حقوق مؤمن بر مؤمن را برشمرده، در راستای ایجاد این انسجام درونی در جماعت صالحان است. همان‌طور که این جماعت در دورن خود انسجام و هم‌گرایی دارد، نباید از بدنه امت اسلامی نیز منزوی شود، چون فلسفه وجودی این جماعت، بازسازی امت بوده و انزوای امت به معنای از دست دادن فلسفه وجودی آن است. سیاست بنی‌امیه و بنی‌عباس انزوای شیعیان از بدنه جامعه اسلامی بود، اما راهبرد اهل‌بیت(ع) حضور در بدنه جامعه و تعامل با امت اسلامی است (آصفی، ۱۴۳۳ق: ص ۷۰-۷۳).

در مواجهه اهل‌بیت(ع) با حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس، همواره تأکید اهل‌بیت(ع) بر عدم همکاری با این دو نظام حکومتی، مگر به اندازه مصلحت، حضور فعال در عرصه اجتماعی امت اسلامی و عدم انزواگرایی و التزام به ارزش‌های اسلامی مانند امر به معروف، تقیه، صبر و نشر فرهنگ اهل‌بیت(ع) بود (آصفی، ۱۴۳۶ق: ص ۵۷). اهتمام اهل‌بیت(ع) به تعلیم و تربیت شاگردان در علوم مختلف اسلامی، از مولفه‌های دیگر این جماعت بود که این شاگردان از ماوراءالنهر(ع)، کوفه، حجاز، مصر، خراسان، بصره، یمن و... در دانشگاه اهل‌بیت(ع) حاضر می‌شدند و بعد از آموزش دیدن، انتقال علوم اسلامی را براساس رویکرد اهل‌بیت(ع) برعهده می‌گرفتند. در برخی گزارش‌ها شاگردان امام صادق(ع) به حدود چهار هزار نفر نقل شده است که نشان‌دهنده اهتمام اهل‌بیت(ع) به آموزش بوده و این مؤلفه نیز بخشی از استراتژی کلان اهل‌بیت(ع) یعنی بازسازی امت محسوب می‌شود. ایجاد شبکه منظم مبلغان، مولفه دیگری برای تربیت این هسته مرکزی در

امت بود. به طوری که اهل بیت(ع) یک شبکه منظم از مبلغانی را در اختیار داشتند که مردم را به امامت اهل بیت(ع) فرامی خواندند و این شبکه در همه سرزمین های اسلامی پراکنده بود. همواره یکی از نگرانی های سیستم امنیتی بنی امیه و بنی عباس همین شبکه مبلغان ائمه بود. علاوه بر مبلغان، ائمه شبکه ای از وکلا نیز در بلاد مختلف داشتند که قائم مقام ائمه(ع) در جمع آوری اموال، پاسخ به شبهات، قضاوت بین مردم و... محسوب می شدند. ائمه مورد اعتمادترین افراد را در این شبکه وارد می کردند.

بعد از حادثه عاشورا، سخت گیری ها بر ائمه(ع) بسیار شدید شد، به طوری که تداوم استراتژی بازسازی امت از طریق تأسیس جماعت صالحان بسیار سخت و طاقت فرسا گردید. استراتژی امنیتی اهل بیت(ع)، تقیه بود که استراتژی امنیتی ائمه(ع) در حفظ جماعت صالحان به شمار می رفت. بدون این واقع گرایی، این پروژه فرهنگی، سیاسی و فقهی نمی توانست قوام یابد و به تدریج بتواند همه امت را فراگیرد. سیستم مالی نیز مکمل این شبکه بود، براساس سیره اهل بیت(ع)، شئون پیامبر(ص) از جمله جمع آوری اموال مختص آنها بوده و اختصاص به منصب امامت داشت و از امامی به امام دیگر می رسید تا در راستای استراتژی بلندمدت بازسازی امت اسلامی به کار گرفته شود. در پرتو این مؤلفه های به هم پیوسته، به تدریج جماعت صالحان در عصر حضور امامان(ع) تا غیبت صغری، در دوران امت اسلامی شکل گرفت. الگوی طراحی شده آرمانی، براساس تقوا، ولایت پذیری و برائت از طاغوت، مراحل سخت را طی کرد تا بتواند بازسازی امت اسلامی را شکل دهد (آصفی، ۱۴۳۳ق: ص ۷۰-۷۳).

در شرایطی که حکومت بنی عباس دچار ضعف، فساد و اضمحلال شده بود، این جمعیت در دل امت اسلامی با هدایت ائمه رشد کرد و مبلغان شیعه در همه بلاد اسلامی، امت را به مسیر ائمه دعوت می کردند و به دلیل گستردگی این شبکه، نمایندگان و مبلغان ائمه در همه جغرافیای جهان اسلام پراکنده شده بودند. هم چنین دانشگاه فرهنگی ائمه(ع) همه دانشمندان و علما را به سمت ائمه(ع) برای پاسخگویی علمی سوالاتشان سوق می داد. این شبکه خراسان بزرگ، ماوراءالنهر، شمال آفریقا، قم و ری، طبرستان، عراق و حجاز را در برمی گرفت. به طوری که همه مردم حلال و حرام خود را از این جماعت تربیت شده در دامن اهل بیت(ع) می پرسیدند. جنبش های اعتراضی مسلحانه علیه حکام نیز سعی می کردند مردم را به اهل بیت(ع) دعوت کنند و یا شعراء در شعرهای

خود در مدح ائمه شعر می‌سرودند. نتیجه این استراتژی بلندمدت ائمه(ع) بازسازی امت اسلامی بود که در پرتو تأسیس جماعت صالحان، بازگشت به خط اصیل اسلام ممکن بود. از نظر آیت‌الله آصفی، اگر پروژه تربیت جماعت صالحان توسط ائمه(ع) بعد از دوره امام سجاد(ع) به فعلیت نرسیده بود، امروز نیز فرهنگ اهل‌بیت(ع) وجود نداشت و هیچ اثری نیز از شیعه باقی نمی‌ماند (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۳۶۷).

این پروژه که با امام سجاد(ع) شروع شده بود و تا غیبت صغری ادامه یافت، در دوره امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) مراکز و هسته‌هایی از جماعت صالحان(شیعیان) در شهرهای مدینه، یمن، کوفه، قم، سجستان، ری، مصر و مغرب عربی و... شکل گرفت و در سوم هجری در نتیجه این استراتژی بلند مدت اهل‌بیت(ع)، در بسیاری از مناطق جهان اسلام، حوزه‌های علمی، محدثین علمی، شبکه وکلاء و مبلغان این جماعت حضور یافتند و به اصلاح فرهنگی و سیاسی امت از درون مشغول شدند (آصفی، ۱۴۳۶: ص ۵۶) که نتیجه عملی موفقیت این پروژه است.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه در رویکرد شیعی، سیره شامل قول، فعل و تقریر معصوم است، بررسی سیره سیاسی-اجتماعی ائمه(ع) یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اندیشه‌ورزی سیاسی می‌باشد. سیره سیاسی معصومین در اندیشه‌ورزی آیت‌الله آصفی جایگاه برجسته‌ای دارد. در اندیشه سیاسی ایشان می‌توان یک نقشه منسجم از سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) را مشاهده کرد که با بعثت پیامبر اکرم(ص) آغاز و تا غیبت صغری ادامه می‌یابد. این سیره با دعوت پیامبر(ص) در مکه شروع و با تشکیل دولت اسلامی در مدینه، منجر به شکل‌گیری امت اسلامی می‌شود که رهبری آن در دست معصوم و قوانین آن براساس شریعت بوده و امت اسلامی میراث این برنامه توحیدی محسوب می‌شود. با رحلت پیامبر اکرم(ص) مسیر این پروژه توحیدی منحرف و رهبری امت در مسیر غیر واقعی خود قرار گرفت. راهبرد اهل‌بیت(ع) در دوره امام علی(ع)، بازگرداندن رهبری امت به صاحبان شایسته آن از طریق مسالمت‌آمیز بود، اما به تدریج این انحراف از رأس هرم امت اسلامی (حاکمان بنی‌امیه) به بدنه امت سرایت کرد و امت اسلامی با تبلیغات، فسادها و انحراف‌ها هم‌رنگ شد. در این شرایط، سیره امام حسن(ع) و امام حسین(ع) استراتژی انقلابی بود که با عدم پایداری یاران

امام حسن(ع) به نتیجه نرسید و در عاشورا با دو هدف سیاسی (اعلان عدم مشروعیت بنی‌امیه) و جنبشی (برانگیختن وجدان امت اسلامی) پیگیری شد تا بدنه امت را بیدار کند. اما سیاست بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس با تبلیغات گسترده و امکانات مادی به تدریج انحراف و فساد را از رأس هرم به بدنه امت سرایت داد و امت اسلامی در این شرایط، نسبت به منکرات جامعه حساسیتی نداشت. در این مرحله، هدف پروژه سیاسی اهل‌بیت(ع) بازسازی امت بود که این بازسازی با سیاست تربیت یک جماعت صالح (نمونه آرمانی) در درون امت اسلامی پیگیری می‌شد و بعد از شکل‌گیری و تقویت جماعت صالح (شیعیان)، از طریق این جماعت، اصلاح و بازسازی همه امت را دربر می‌گرفت.

منابع

۱. آصفی، محمدمهدی (۱۴۱۹ق). فی رحاب عاشورا. قم: موسسه نشر الفقاهه.
۲. آصفی، محمدمهدی (۱۴۲۴ق). الفتنه الكبرى بعد وفاه النبی. قم: موسسه الكوثر للمعارف.
۳. آصفی، محمدمهدی (۱۴۲۸ق). مختارات من محاضرات الحسينیه. تهران: موسسه الهدی للنشر و التوزيع، الجزء الاول.
۴. آصفی، محمدمهدی (۱۴۳۲ق). الفصل بين الدين و الدوله. نجف: مجمع اهل البيت، الطبعة الثانيه.
۵. آصفی، محمدمهدی (۱۴۳۳ق). المشروع السياسى لأهل البيت(ع) بعد واقعة الطف. نجف: مجمع اهل البيت(ع)، القسم الاول.
۶. آصفی، محمدمهدی (۱۴۳۶ق). الامام زين العابدين على بن الحسين دوره الثقافى و السياسى. قم: مجمع العالمى لاهل البيت(ع).
۷. آصفی، محمدمهدی (۲۰۱۰). فی رحاب عاشورا. نجف: مجمع اهل البيت(ع)، ج ۱.
۸. بابایی، رضا (۱۳۹۳). فقيه مجاهد: درنگی در زندگی، آثار و اندیشه‌های آیت‌الله محمدمهدی آصفی. قم: موسسه بوستان کتاب.
۹. جوادی، قاسم (۱۳۹۳). جماعت صالحه در نگاه آیت‌الله آصفی. در: مجموعه مقالات کنگره بررسی شخصیت، اندیشه و آثار آیت‌الله آصفی. قم: بوستان کتاب.
۱۰. حکیم، سید محمداقبر (۲۰۰۳ق). الامامه و اهل البيت النظرية و الاستدلال. بيروت: المركز الاسلامى المعاصر.
۱۱. حکیم، منذر (۱۴۲۵ق). قیسات من حياه و سيره الشهيد المحراب آیت‌الله المجاهد السيد محمداقبر الحكيم. تهران: مجمع العالمى لاهل البيت(ع).
۱۲. لکزایی، نجف و همکاران (۱۳۹۳). اندیشه سیاسی آیت‌الله آصفی. قم: بوستان کتاب.
۱۳. یعقوبی، محمد (۱۴۳۶ق). فقه المشاركه. نجف: دارالصادقین.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.51945.1052

شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۹). تربیت جماعت صالحان در سیره سیاسی معصومین(ع) از منظر آیت‌الله آصفی. سیاست متعالیه، ۸ (۳۱): ص ۱۰۵-۱۲۰.